

ازمیان خبرها

۲ مأمور ناجا در یک تصادف جان باختند



رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی کهرگیلویه و بویراحمد از جان باختن دو مأمور نیروی انتظامی در پی برخورد یک دستگاه وانت نیسان با سمند پاسگاه انتظامی تنگ سرخ شهرستان بویراحمد خبر داد. به گزارش ایسنا - منطقه کهرگیلویه و بویراحمد، جلال پورافرد گفت: در ساعت ۱۵:۲۳ جمعه -هفتم تیرماه- در محور یاسوج به شیراز، تصادف خودروی وانت نیسان با سمند پاسگاه انتظامی تنگ سرخ بویراحمد اعلام شد که بر اساس گزارش اولیه، متأسفانه دوفرد دردم‌جان باختند. وی افزود: هر دو قربانی حادثه، سرنشین خودروی سمند پاسگاه انتظامی بودند. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی کهرگیلویه و بویراحمد خاطر نشان کرد: با اعلام این خبر بلافاصله سه دستگاه خودروی اورژانس ۱۱۵ به محل اعزام شدند که دو مصدوم صحنه حادثه را به بیمارستان شهید بهشتی یاسوج انتقال دادند. پورافرد یادآور شد: در سرنشین سمند نیروی انتظامی «وحید خدابخشی» و «بهنام خواهشی» نام دارند. رئیس اورژانس پیش بیمارستانی استان کهرگیلویه و بویراحمد، جان باختن دو تن از نیروهای پلیس استان را در این حادثه تلخ راندگی به عموم مردم و جامعه انتظامی استان و خانواده‌های داغدار آن‌ها تسلیت گفت.

قتل هولناک برادرزن در جشن تولد قاتل

مردی که در جشن تولد خود برادر همسرش را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود، دستگیر شد. به گزارش ایسنا، حوالی ساعت ۲۱ ششم تیر ماه وقوع یک نزاع در محله نبرد به مرکز فوریتهای پلیسی ۱۱۰ اطلاع داده شد که در پی آن ماموران کلانتری ۱۳۲ نبرد در محل حاضر شدند و بررسی‌های خود را آغاز کردند. پس از حضور ماموران در محل مشخص شد مردی حدود ۳۰ ساله توسط شوهر خواهرش با ضربات چاقو به قتل رسیده است که در همین زمینه بازپرس ویژه قتل نیز در محل حاضر شد. همچنین در همان تحقیقات اولیه مشخص شد مقتول به همراه بستگان خود در مراسم جشن تولد شوهرخواهرش حضور یافته که این اتفاق رخ داده است. طبق گفته شاهدان مقتول و شوهرخواهرش در مراسم برای هم رجز خوانی کرده اند و این موضوع باعث ایجاد درگیری لفظی شدید بین آن‌ها شده به نحوی که تا مقابل در منزل متهم ادامه یافته و سرانجام قاتل با برداشتن چاقو از آشپزخانه، سراغ برادرزنش رفته و او را با چند ضربه چاقو به شکم و قلبش به قتل رسانده است. متهم ۳۵ ساله که پس از وقوع قتل قصد فرار داشت توسط ماموران کلانتری نبرد بازداشت شد. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پیشگیری تهران بزرگ با تایید این خبر اعلام کرد: برای متهم پرونده‌ای تشکیل شده و او هم‌اکنون با دستور مقام قضایی در بازداشت به سر می‌برد.

سجاد پور - ماجرای کشف جسد مردی در یک مجتمع مسکونی، زمانی به‌معمای جنایی پیچیده‌ای در مشهد تبدیل شد که نیروهای پلیس با شنیدن ناله‌های ضعیف از طبقه‌هفتم و شکستن در این واحد مسکونی، باپیکر خون آلود و بی رمق زنی روبه رو شدند که هدف ضربات متعدد چاقو قرار گرفته بود!

به گزارش خراسان، اوایل صبح روز گذشته، ماموران انتظامی با قاضی ویژه قتل عمد مشهد تماس گرفتند و از وجود جسد مردی میان سال در یک مجتمع مسکونی خبر دادند. باتوجه به حساسیت موضوع، بلافاصله قاضی کاظم میرزایی عازم بولوار وحدت شد تا از نزدیک ماجرای کشف جسد را مورد بررسی‌های تخصصی و قضایی قرار دهد. به دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، گروهی از کارآگاهان اداره جنایی و عوامل بررسی صحنه جرم پلیس آگاهی خراسان رضوی نیز در کنار پزشک قانونی، در حالی به محل حادثه رسیدند که قبل از حضور آن‌ها و در پی دستورات تلفنی مقام قضایی برای بررسی محل دقیق سقوط احتمالی مرد ۵۴ ساله، نیروهای انتظامی با «حادثه رمزآلودی» روبه‌رو شده بودند!

ماجرای این «مرگ رمزآلود» از آن جاشکل معمای جنایی پیچیده به خود گرفت که قاضی میرزایی براساس تجربیات پرونده‌های جنایی، دستورات تلفنی ویژه‌ای را به نیروهای انتظامی مستقر در محل کشف جسد داد و ماموران بلافاصله با دریافت این دستورات وارد طبقه هفتم مجتمع مسکونی شدند، جایی که بنا به اظهارات اهالی مجتمع، مرد ۵۴ ساله از آن جاسقوط

وقتی نیروهای انتظامی به واحد مسکونی مذکور رسیدند، صدای ناله‌های ضعیفی را شنیدند که از داخل منزل به گوش می‌رسید اما در این واحد مسکونی از داخل قفل پوبه همین خاطر آتش نشانان نیز وارد عمل شدند و در کنار ضابطان قضایی با شکستن در منزل، وارپذیریایی شدند که صحنه هولناکی مقابل آن‌ها قرار گرفت. زنی حدود ۵۰ ساله که

ماجرای ناله‌های زن چاقو خور دهوشوهری که از طبقه هفتم سقوط کرد!

مرگ رمزآلود!



کرده بود!

وقتی نیروهای انتظامی به واحد مسکونی مذکور رسیدند، صدای ناله‌های ضعیفی را شنیدند که از داخل منزل به گوش می‌رسید اما در این واحد مسکونی از داخل قفل پوبه همین خاطر آتش نشانان نیز وارد عمل شدند و در کنار ضابطان قضایی با شکستن در منزل، وارپذیریایی شدند که صحنه هولناکی مقابل آن‌ها قرار گرفت. زنی حدود ۵۰ ساله که

در پی قتل وحشتناک جوان ۲۹ ساله اتفاق افتاد

پلیس در تعقیب «شاه‌توت» فراری

سجاد پور - جوان ۳۰ ساله معروف به «شاه توت» به اتهام قتل یکی از دوستانش تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. به گزارش خراسان، صبح روز گذشته در حالی که قاضی ویژه قتل عمد مشهد مشغول بررسی صحنه مرگ مرموز مرد ۵۴ ساله در یک مجتمع مسکونی بود، ناگهان خبر جنایتی دیگر، روند تحقیقات قضایی را به‌دو شاخه متفاوت کشاند. یکی از نیروهای انتظامی در تماس تلفنی با قاضی «کاظم میرزایی»، از قتل جوان ۲۹ ساله‌ای خبر داد که ساعتی قبل با ضربات چاقو به شدت مجروح شده و به مرکز درمانی انتقال یافته بود! در پی دریافت این خبر، بلافاصله قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، ادامه تحقیق در باره سقوط هولناک مرد ۵۴ ساله از طبقه هفتم یک مجتمع مسکونی را به گروهی از کارآگاهان ورزیده پلیس آگاهی سپرد و خود به همراه گروه دیگری از کارآگاهان

بررسی‌های مقدماتی نشان می‌داد جوان ۲۹ ساله در حالی با ضربات چاقو به قتل رسیده که ضربه‌ای به عناصر حیاتی گردن وی وارد شده است. «قاضی میرزایی» پس از انجام یک سری تحقیقات در مرکز درمانی، به سرنخ‌هایی رسید که نشان می‌داد جوان ۲۹ ساله بر اثر ضربات چاقوی یکی از دوستانش در «پاتوق محله» به قتل رسیده است بنابراین وی در همان لحظات اولیه آغاز تحقیقات، دستور دستگیری جوان معروف به «شاه‌توت»

را صادر کرد و بدین ترتیب ادامه بررسی‌های میدانی مقام قضایی به خیابان رسالت ۱۹ کشید.

تحقیق تخصصی قاضی با تجربه ویژه قتل عمد در خیابان محل وقوع جنایت

حاکي از آن بود که متهم به قتل از افراد سابقه دار و سارقان حرفه‌ای است که در یکی از «پاتوق‌های محله» با جوان ۲۹ ساله (مقتول) به مشاجره و درگیری پرداخته است اما لحظاتی بعد درگیری آنان به داخل خیابان کشیده شده و جوان معروف به «شاه توت» با ضربات هولناک چاقو دوستش را نقش بر زمین کرده است. به دنبال مجروح شدن این جوان، اهالی محل با مشاهده این صحنه وحشتناک با نیروهای اورژانس

بررسی صحنه جرم وارد محل وقوع حادثه شدند و تحقیقات گسترده‌تر درباره چگونگی ماجرای «مرگ رمزآلود» ادامه یافت. تلفن همراه متعلق به زن ۵۰ ساله که کنار جسد شوهرش قرار داشت، معمای این پرونده جنایی را پیچیده‌تر کرد. دقایقی بعد با دستور قضایی، پیکر بی‌جان مرد ۵۴ ساله در حالی برای انجام معاینات دقیق و تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد که زن میان‌سال در بیمارستان قادر به صحبت کردن بود! به همین دلیل قاضی کاظم میرزایی به همراه گروهی از کارآگاهان اداره جنایی، عازم بیمارستان شهید کامیاب مشهد شد تا از نزدیک به اظهارات زن ۵۰ ساله توجه کند.

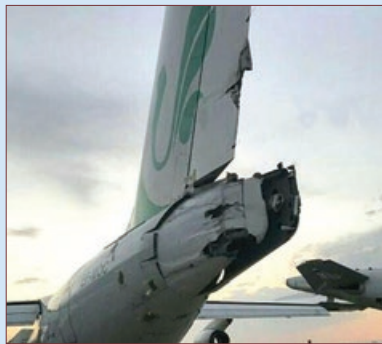
این زن درباره چگونگی ماجرا به قاضی ویژه قتل عمد گفت: ما اهل شهرستان هستیم و واحد مسکونی (محل حادثه) را خریدیم تا زمانی که به مشهد سفر می‌کنیم دچار مشکل نشویم. اکنون نیز برای پیگیری امور درمانی بیماری اعصاب و روان همسرم به مشهد آمدم. بعد از نماز صبح بود که ناگهان همسرم به سمت من حمله‌ور شد و مرا با ضربات چاقو به شدت مجروح کرد. در این لحظه گوشی تلفنم را برداشتم تا با اورژانس تماس بگیرم ولی همسرم گوشی را از من گرفت و خودش را ساختمان بیرون انداخت. من هم به خاطر این که رمقی نداشتم همان جا روی زمین افتادم تا این که نیروهای پلیس وارد منزل شدند و مرا نجات دادند!

بنابر گزارش خراسان، تحقیقات بیشتر درباره این ماجرای وحشتناک همچنان با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی مقام قضایی و توسط کارآگاهان آگاهی ادامه دارد.

در پی قتل وحشتناک جوان ۲۹ ساله اتفاق افتاد

پلیس در تعقیب «شاه‌توت» فراری

تماس گرفتند و این گونه، جوان مجروح به بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد انتقال یافت. ولی تلاش کادر درمانی برای نجات وی به نتیجه نرسید و او بر اثر عوارض ناشی از اصابت چاقو به عناصر حیاتی گردن جان سپرد. بنابر گزارش خراسان، ادامه تحقیقات مقام قضایی بیانگر آن بود که «پاتوق» مذکور رازنی به راه انداخته است که شوهر و فرزندش نیز به خاطر خلافتکاری‌های هنجار شکنانه در زندان به سر می‌برند. به همین دلیل قاضی میرزایی برای پیشگیری از وقوع حوادث تلخ احتمالی دیگر، دستور پلمب این «پاتوق» را نیز صادر کرد و روند تحقیقات قضایی در حالی به دو شاخه متفاوت کشید که با دستورات ویژه مقام قضایی، گروهی از کارآگاهان زبده پلیس آگاهی با همکاری اداره اطلاعات جنایی به رد زنی متهم فراری معروف به شاه توت پرداختند.



سوءاستفاده از اعتبار پزشک معروف پوست در تلگرام

ماموران متوجه شدند که متهم برای گم کردن هر گونه ردی از خود، با مشخصات همسرش اقدام به فروش داروهای جعلی و با کیفیت پایین با نام و برند داروی اختراعی شاکي در شبکه‌های اجتماعی کرده است. همچنین مشخص شد همسر این آقا قبلا از کارکنان دارو خانه شاکي بوده است و در زمینه توزیع و فروش محصولات شاکي فعالیت داشته اما مدتی بعد همکاری اش با شاکي قطع شده است.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اشاره به دریافت مجوز قضایی برای دستگیری متهم، اظهار کرد: ماموران در یک عملیات غافلگیرانه، متهم را در منزلش شناسایی کردند و به مقر پلیس فتای تهران انتقال دادند که در این خصوص متهم معترف شد برای کسب درآمد عالی، با نام و اعتبار این پزشک اقدام به فروش داروهای بی کیفیت کرده و باور نداشته که دستگیر خواهد شد. به گفته وی، متهم پس از تشکیل پرونده برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادرساشد.

پلیس فتای تهران قرار گرفت و با بررسی صفحه اجتماعی متهم، تحقیقات پلیس برای شناسایی او آغاز شد.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با بیان این که در ابتدای تحقیقات مشخص شد شماره همراه و حساب بانکی که متهم با آن در این زمینه فعالیت می کند متعلق به خانمی ساکن تهران است، افزود: در همین زمینه ماموران مخفیگاه این خانم را شناسایی کردند و برای انجام اقدامات لازم به آن جا اعزام شدند. اما در محل معلوم شد، مظنون چندی پیش به مکان نامعلومی رفته است. کاظمی ادامه داد: در مرحله بعدی سرنخ جدیدی به دست آمد و افسران پلیس فتای تهران متوجه شدند متهم در محدوده میدان انقلاب به بلکه‌های متفاوت ناگواروی می دهد که طی تحقیقات نامحسوس پلیسی، ماموران دریافتند متهم برای مخفی کردن خود اقدام به این نقل مکان کرده است.

کاظمی با بیان این‌که منزل این فرد شناسایی شد، افزود: در تحقیقات بعدی

حوادث

۱۳

در امتداد تاریکی

مادر شوهرم کارگردان فیلم «زندگی من» است

با آن که مدت زیادی از ازدواج دوم نمی گذرد و تنها برای حفظ آبروی خود خانواده ام نمی خواهم زندگی ام به همین راحتی متلاشی شود و باز هم نظاره مهر طلاق بر شناسنامه ام باشم، آینده خود را بسیار تاریک می بینم چرا که...

زن ۲۸ ساله‌ای که برای اعلام گذشت از دریافت دیه به کلانتری مراجعه کرده بود در حالی که دخالت‌های مادر شوهر و رفتارها و تهمت‌های زشت همسرش را عامل اصلی آشفتگی در زندگی اش می دانست، به کارشناس اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: ۱۷ سال بیشتر نداشتم که به اصرار پدرم تن به ازدواج اجباری و فامیلی دادم در حالی که خواستگارم را فقط یک بار دیده بودم و هیچ شناختی از او نداشتم.

تازه بعد از ازدواج بود که فهمیدم او نه تنها به یکی از بیماری‌های خاص مبتلاست بلکه رفتاری خشن دارد و مرا مورد آزار و اذیت قرار می دهد. پدر همسرم دو زنه بود و او از همان دوران نوجوانی و به دلیل انتقام از زن دیگر پدرش شیشه‌های منزل را می شکست تا برای آن‌ها در دسر درست کند اما خیلی زود پشیمان می شد و با گریه از آن‌ها معذرت خواهی می کرد. من متأسفانه همسر بعد از ازدواج نیز به همین رفتارهاش ادامه داد تا جایی که مرا حتی در کوچه و خیابان کتک می زد و بعد از آن که از کارش پشیمان می شد، با وضع مالی خوبی که داشت برایم طلا و جواهر می خرید تا به خانواده ام چیزی نگویم اما زندگی با این شرایط سخت دو سال بیشتر دوام نیاورد و من در ۱۹ سالگی طلاق را تجربه کردم.

یک سال بعد از این ماجرا در رشته حسابداری دانشگاه گرگان پذیرفته شدم و تصمیم به ادامه تحصیل گرفتم. اما هنوز چند ماه بیشتر از ورودم به دانشگاه نگذشته بود که پدرم را از دست دادم و بی‌پشتیبان ماندم. خلاصه دانشگاه را با معدل بسیار عالی به پایان رساندم و در یکی از هتل‌های بزرگ مشهد مشغول کار شدم و زندگی خوبی فراهم کردم.

دو سال بعد مرخصی چندروزه گرفتم و به گرگان رفتم تا مدرک پایان تحصیلاتم را دریافت کنم. آن جا بود که با «رحیم» آشنا شدم به طوری که بعد از چندروز ارتباط تلفنی و دیدارهای حضوری از من تقاضای ازدواج کرد. من که خاطره بدی از ازدواج قبلی داشتم به او گفتم فعلا نمی خواهم از دواج کنم! اما او که عاشقم شده بود با التماس می گفت: تو را خوشبخت‌ترین زن روی زمین می‌کنم! من مانند مردهای دیگر نیستم و خطرات تلخ گذشته را با یک زندگی شیرین از خاطرات می زدایم. این گونه بود که بعد از دو ماه من و رحیم پای سفره عقد نشستیم و پیوند ناشویی بستیم اما در همان شب اول ازدواج مان او را در حال مصرف «گل» و «ماری جوانا» دیدم به طوری که بعد از مصرف این مواد رفتار بسیار خشنی با من داشت و خاطره تلخی را بر ابرم باقی گذاشت. از آن روز به بعد فحاشی، تهمت و کتک کاری‌هایش در حالی شدت گرفت که مادر شوهرم نیز از او حمایت می کرد و مرا زنی خطاب می کرد که به خاطر گرفتن مهریه با پسرش ازدواج کرده‌ام در حالی که رحیم هیچ پولی نداشت و برای پدرش کار می کرد. آن هاجاتی طلاهای مرا ز سر گردنم بیرون کشیدند و کاروهای ازدواجم را نیز گرفتند. در برابر این همه تهمت و سرزنش و کتک کاری‌های یک مرد معتاد چاره‌ای جز سکوت نداشتم چرا که پدرم از این دنیا رفته بود و من پناهگاهی نداشتم. در عین حال دخالت‌های مادر شوهرم به گونه‌ای است که گویی من و همسرم با زی‌گران فیلم «زندگی» هستیم که او سازنده کارگردان آن است. آخرین باری که همسر پس از مصرف مواد به من حمله‌ور شد، بینی ام شکست و دست و پایم کبود شد به حدی که مجبور به شکایت شدم و دادگاه نیز او را محکوم به پرداخت دیه کرد. با این حال قصد دارم از دریافت دیه صرف نظر کنم چرا که بعد از هفت سال تنهایی و تنها بری آن‌که پناهگاهی داشته باشم ازدواج کردم حالا نمی خواهم دوباره طعم طلاق را بچشم اما باز هم آینده ام بسیار تاریک است چرا که بدون اجازه مادر شوهرم حتی حق خندیدن هم ندارم. کاش...

شایان ذکر است به دستور سر هنگ محتشمی (سرپرست کلانتری میزدکوچک خان مشهد) این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی مورد رسیدگی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

پلی کر بنات
تاریخی و پیمه
پشم شیشه – پشم سنگ
توری مرغی
۰۹۱۵۱۱۶۱۱۵۸ - ۰۵۱ ۳۶۶۶۲۵۵۵